

بنام مهربانترین

In the name of the most compassionate

ماجرایی بهاری از مردی پاییزی

Spring tale of an autumn man...





پیرمردی صبح زود در حالیکه
تند تند راه می‌رفت، از خانه
خارج شد. در راه با اتومبیلی
تصادف کرد و آسیب دید.

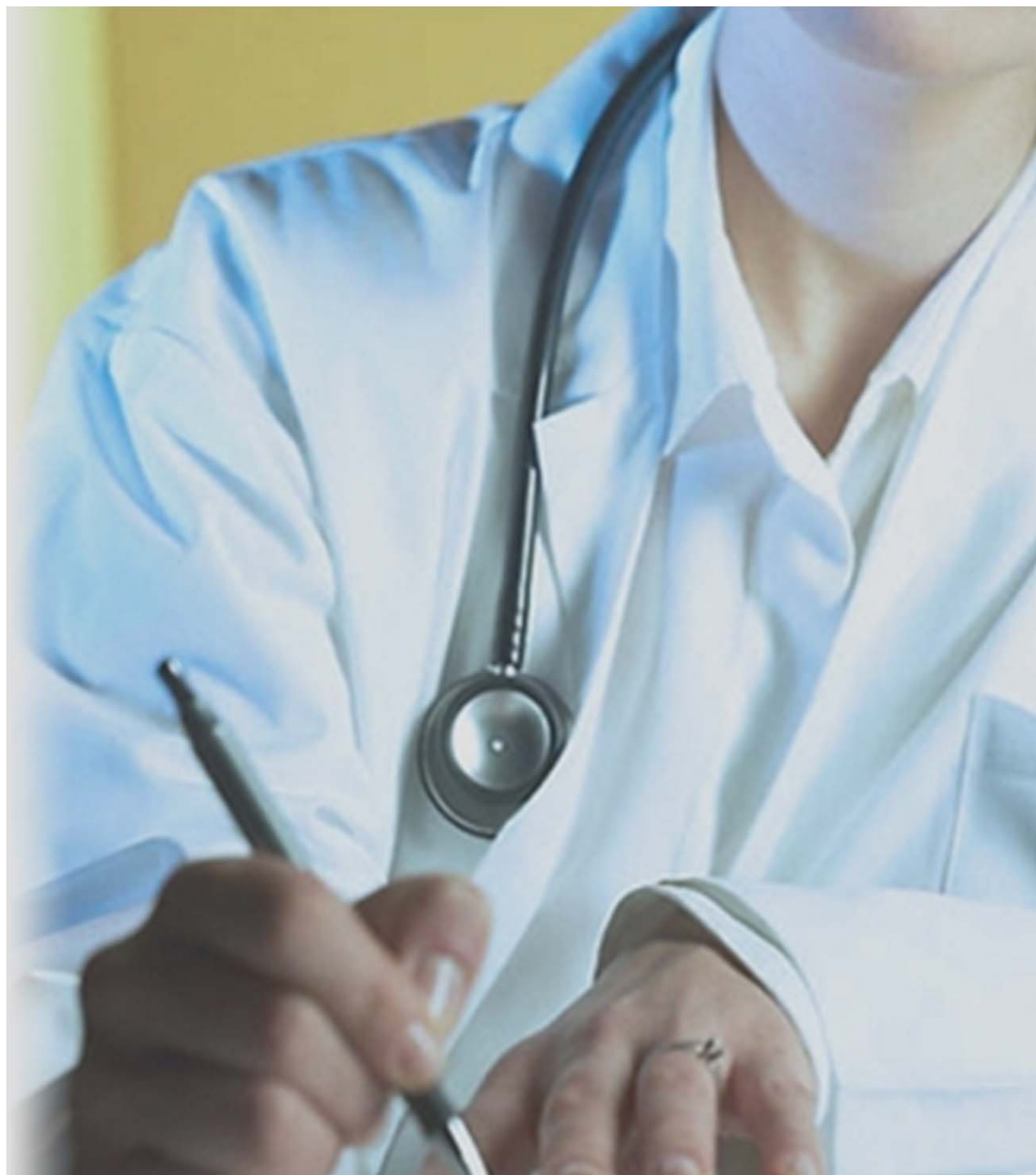
عابران به سرعت او را به
درمانگاه رساندند.

One early morning an
old man rushed out of
his house, walking fast.
He had an accident on
his way and got hurt.

The passersby hurriedly

پرستاران زخمهای پدید
را پانسمان کردند
ولی به او گفتند: باید
از پایتان عکسبرداری
تا مطمئن شویم جایی
بدنتان شکستگی
نداشد.

nurses cleaned his
wounds but said: "we
have to take Ex-RAY
of your leg to make
sure you have no bone
fractures."



پیرمرد غمگین شد و گفت: عجله دارم، نیازی به عکسبرداری نیست.
پرستاران از او دلیل عجله‌اش را پرسیدند.
او گفت: زنم در خانه سالمندان است. هر صبح آنجا می‌روم و صبحانه را
او می‌خورم. نمی‌خواهم دیر شود!

The old man got upset
and said: "I'm in a hurry,
Ex –RAY is needed,
ally" and when the
urses asked about the
ason he was in a hurry,
e answered:
ny wife is in a health
re's place. I go to her
ery morning and we
ve our breakfast
gether. I don't want to





پرستاری به او گفت که خودمان
به او خبر می‌دهیم.
پیرمرد با اندوه گفت:

خیلی متأسفم او آلزایمر دارد
چیزی را متوجه نخواهد شد! حتی
مرا هم نمی‌شناسد!

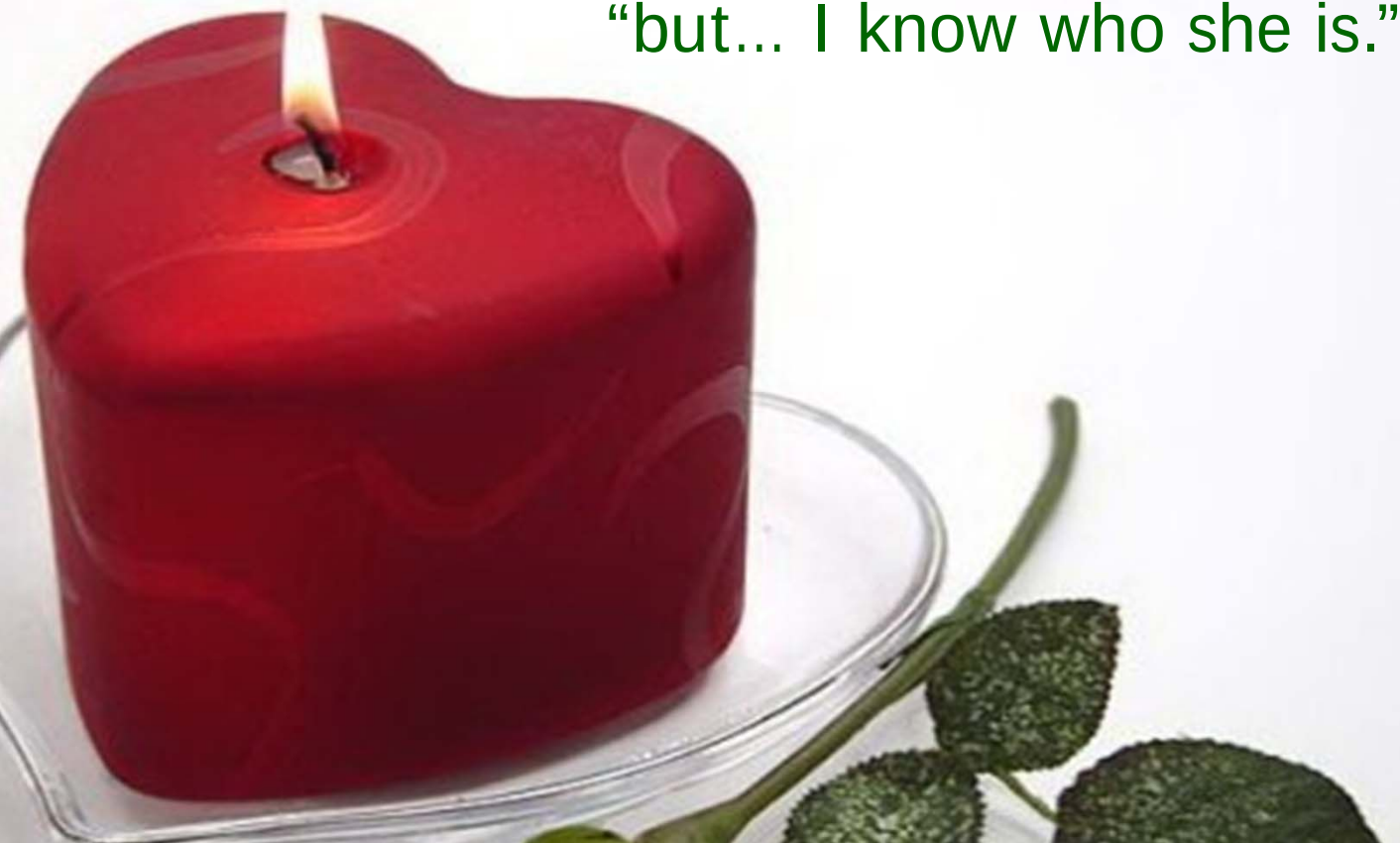
nurse said that they would tell his wife
themselves. The old man said gloomily:

پرستار با حیرت گفت: وقتی که نمی‌داند شما چه کسی هستید، چرا هر روز صبح
"I'm sorry but she has Alzheimer, she
برای صرف صبحانه پیش او می‌روید؟
couldn't understand. She doesn't even

remember me." then, why do you go to her and have

پیرمرد با صدایی گرفته به آرامی گفت:
اما من که می‌دانم او چه کسی است

The old man hesitated. then said quietly:
“but... I know who she is.”





گاهی (you) sometimes
somebody a favor but it
looks like they have
Alzheimer!

گاهی از خطای کسی که تو را
آزرده (person who's
hurt you) but it look like
they have Alzheimer!
اصلا متوجه نمی شود.
They don't even notice.

حتی گاهی کسی از لطف تو
قدردانی می کند اما مدتی
بعد (after) می فراموش می شود.



این عجیب نیست که انسان به نسیان
دچار شود و آلزایمر بگیرد،
انتظار و توقع سپاس و پاداش از انسان
فراموشکار عجیب است!

It's not strange when people forget, or
develop Alzheimer,
Having expectations from such a forgetful
human being is what's strange!

در همه این حالتها فراموش نکن که خدا می بیند و هیچگاه خوبی تو را
فراموش نخواهد کرد.

all times. don't forget that God watches you... He never forgets

با خودت تکرار کن:

Repeat it to your heart

او نمی‌داند،
خدا که می‌داند!

“they don’t
know...but God
does.”



از فایلهای ارسالی به گروه

هشت بهشت

توسط دوست عزیز جناب آقای Fazel daghaghaleh

(با دخل و تصرف)

منتظر نظرات شما هستیم.

8Beheshtgroup@Gmail.com

برای عضویت در گروه و استفاده از اثرهای دیگر با ما همراه شوید

<http://www.8Beheshtgroup.com>